

از: سید فخرالدین رحیمی

خرم آباد - مدرسه علمیه کمالیه

محیط خانواده

* یاغلی لعنت خدا بر پدر و مادرا نیکه فرزند خود را تربیت نموده و بدین سبب خود را عاق نمایند (۱).

(رسول معظم صلی الله علیه و آله)

* بهترین بخشش و احسان پدر نسبت به فرزند تربیت صحیح و

اساسی است . (۲)

هیچ ارثی برای فرزند (از پدر) بهتر از ادب و اخلاق واقعی

نیست . (۳)

(علی علیه السلام)

* بار خدایا در تربیت و تادیب و هدایت فرزندانم یاریم فرما (۴)

(امام سجاد علیه السلام)

* کسانی که بندگهواره کودکان را بدست دارند از آنها که

زمام حکومتی را در دست گرفته اند مؤثر تر و با نفوذ تر میباشند، از

موقعیکه اولین تبسم بر لبهای طفل ظاهر می شود زمان تربیت وی

آغاز میگردد، طفولیت مانند آینه ایست که هر چه در مقابل آن

گذاشته شود صورت آنرا منعکس میسازد . (ساموئل اسمایلز)

* فقط يك چیز از شرك و خدانشناسی من جلو گیری كرد و آن

خاطره ساعتی بود كه مادرم در بستر مرك دستهای كوچكم را گرفته

مرا بر روی زانوشانید و كلمه توحيد را بر لبهایم جاری ساخت

(سیاسی مشهور آمریکا - ژان راندولف)

(۲) مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۵

(۱) وسائل ج ۵ ص ۱۱۵

(۴) صحیفه سجاده دعائه لولده

(۳) غرر الحکم ص ۸۳۱

- ۱ - اثر تربیت در روحیه طفل
- ۲ - وظیفه پدر و مادر
- ۳ - نتیجه بی بندوباری پدران و مادران .
- ۴ - ندای یکفرزند گمراه بیک پدر بی بندوبار

* * *

اثر تربیت در روحیه طفل

خواننده ارجمند، نویسنده گانیکه موضوع انحراف جوانان و بی بندوباری آنان را درباره دانش و ایمان و واقعیت مورد بررسی قرار داده و درباره آن قلم فرسائی نموده اند علت آنرا اساساً در محیط و اجتماع و فرهنگ دانسته و آن دورا مؤثر واقعی میدانند ولی بعقیده نگارنده علت اساسی و مسلم در انحراف جوانان و خردسالانرا مستقیماً در بدو امر باید در محیط خانواده یعنی اولین مکتب مهم طفل جستجو کرد .

زیرا پدر و مادر بوسیله حکومت و فرمانروائی الهی و آسمانی عجیبی که بر جسم و روح فرزند عزیز و دلیند خود دارند میتوانند برای همیشه بنیان و پایه یک آرامش و روحبخش و افکاری عالی و عقایدی پاک و صحیح و روحیاتی جالب و جذاب و روشی مستدل و منطقی در فرزند خود بوجود آورند بطوریکه هیچ قدرتی با همه عظمت و نفوذ خود نتواند کوچکترین رخنه بدی در افکار و عقاید و روش او بنماید روی این اصل است که گفتار بزرگان دین و دانشمندان بزرگ بر این محور میگردد . و مؤثر واقعی را در تربیت فرزند پدر و مادر میدانند و میگویند که هر بیان فرزند حکومتشان با عظمت تر و نافذ تر از حکومت زمامداران بزرگ است، یعنی همانطوریکه زمامداران ، حکومت بر اجسام دارند و بدینوسیله آرامش را بر جامعه ای حکمفرما میکنند (آرامشی موقت) زمامداران و هر بیان فرزند که پدر و مادرند حکومت بر جسم و روح دارند و میتوانند برای همیشه آرامشی انسانی و واقعی برای فرزند خود بوجود آورند .

و حق هم اینست زیرا اگر فرزندی با اصولی صحیح و محکم و واقعی آشنا شد و در مکتب پدر و مادر که اساسی ترین مکتبهاست درس شرافت و درستی و اخلاق را خواند اجتماع و محیط یا فرهنگ هر چند فاسد باشند نمیتوانند در او اثری با بر جای بگذارند و اوست که میتواند محیط را تحت نفوذ تأثیر روش صحیح خود قرار دهد

پس پدران و مادران باید حق فرزند خود را اداء نمایند . علی علیه السلام پیشوای انسانها حق فرزند را بر پدرش چنین بیان میفرماید :

حق فرزند بر پدرش اینست که : نام نیکو و پسندیده ای بروی گذارد و او را (بر اساس و پایه ای صحیح) تربیت نموده (و حقایق و واقعیت اخلاق) قرآنرا بدو یاد دهد (۱) و علی بن الحسین (ع) این حق را چنین بیان فرماید (حق مسلمیکه فرزندت بر تو دارد اینست که آگاه باشی که او بوسیله تو بوجود آمده و زشتی و خوبی او را بتو نسبت میدهند و مسئول (واقعی) تربیت و ادب او تویی، باید او را بهم معرفت و شناسائی آفرید که اگر جهان آشنا نموده و او را در اطاعت خداوند یاری کنی و مسلم بدان اگر فرزندت را نیک پرورش دهی نزد پروردگارت مأجور و درغیر اینصورت بکفر الهی خواهی رسید (۲)

وظیفه پدر و مادر

پس وظیفه اصلی پدر و مادر تربیت فرزند است روی پایه ای صحیح و اساسی . پدران و مادران بدانند اگر فرزندان خود را در زندگی آزاد گذارند و روش انسانیت را بدانها نیاموزند و بگذارند فرزندانشان در منجلاب مفاسد اخلاقی مستغرق شوند و در همان ایام طفولیت که فصل تربیت و آموزش آنهاست در اجتماع فاسد چشم و گوش باز کنند و صفات زشت و ناروادرا آنها ملکه شده نه تنها مسئول مسلم فرزند خود میباشند بلکه مسئول انحراف یک محیط و اجتماعند زیرا فرزندان فاسد آنها مانند آتشی که در خرمنی افتد دیگران را نیز فاسد و منحرف ساخته و در آینده که یکی از پستهای حساس رادر کف خود گیرند از هیچگونه جنایت و دزدی خودداری نخواهند کرد .

پس ای پدران و مادران ! بیائید برای رضای خدا ، نو نهالهای لطیف خود را با اخلاق صحیح اسلامی و انسانی آشنا سازید ، بجای اینکه برای آنها و روشن شدن اذها نشان مجلات کثیف و فاسد کننده بخرید و آنها را در واقع منحرف سازید داستانهای اخلاقی اسلامی را که واقعا آموزنده هستند بدانها بیاموزید . بیائید نگذارید در دوران جوانی با مفاسد اجتماعی از قبیل موسیقی و تلویزیون و سینماهای کثیف و سایر اعمال ناشایسته از قبیل حضور در مجالس مشروب و قمار و رقص و .. آشنا

(۱) نهج البلاغه جزء سوم ص ۲۴۹

(۲) وافی جزء سوم ص ۱۲۲

شوند، پدرانیکه فرزندان خود را بدست محیط فاسد و فرهنگ ناروا بسپارند در واقع آنها را زنده بگور کرده اند .

نتیجه بی بندوباری پدران

اگر فرزند تا هنگام رشد عقل و هنگام بلوغ در مکتب صحیحی پرورش نیابد بعید بنظر میرسد که بتواند روحیاتیکه از محیطی فاسد کسب کرده است از او سلب نموده و او را بارو حیاتی عالی و تازه آشنا سازند، اینهمه جوانانیکه دست بعمل زشت و شوم خود کشتی میزنند و آنها نیکه هر لحظه دلشان در بند ماه روئی گرفتار میشود و آنها نیکه دستهای کثیف و (مخوف) استعمار گلویشان را بیرحمانه میفشارد و آنها نیکه از هیچ دامی ایمنی ندارند و خلاصه آنها نیکه مبتلا بگردجهنمی هر وین و . . . میشوند سرچشمه اینهمه بدبختی ها و بیچارگی ها و انحرافات را باید از منشأ اصلی و سرچشمه آن که محیط خانواده و نتیجه بی بند و باری پدران و مادرانست پیدا کرد .

زیرا آنها عزیزان خود را بدست کسانیکه کوچکترین علاقه ای بسعادت و ترقی و انسانیت فرزندان نشان نداشته میسپارند و زمانی زنگ خطر و اضمحلال اخلاقی فرزندان در گوشان طنین میاندازد که کار از کار گذشته و دیگر امید سعادت و هدایت فرزندان از قلبشان محو شده و باید با چشم خود ناظر غرق شدن جگر - گوشه خود در میان گرداب و حشتناک و حزن انگیز مفاسد اجتماعی شده و منتظر عذاب دردناک الهی گردند .

ندای فرزندی گمراه به پدری بی بندوبار

پدرها و مادرها شرح حال و قضیه مرا بخوانند و عبرت بگیرند پدرم و مادرم ! منتان بر من اینستکه مرا نداده و لباس پوشیده اید (پوشانیده اید) و بزرگ کرده اید و اینرا بزرگترین فداکاری در حق من بحساب میآورید، ولی بدانید که وظیفه پدر و مادر تنها غذا دادن و لباس ندادن فرزندان نشان نیست اگر شما مرا آکنار کوچم هم میگذاشتید آن بچه سر راهی بزرگ میشد و مسلماً سر نوشتش از حال من بهتر بود، امروز آنقدر در این مملکت پرورشگاه و دارالایتام هست که بچه هائی ما نندمرا آزاد کنند، در این زمان آنقدر مردم رفوف پیدا میشوند که بچه های بی پدر و مادر را بفرزندی میپذیرند، توای پدر مرا تربیت نکردی و اصلاً در این فکر نبودى و تو

ای مادر در راه تربیت من بخود زحمت ندادی دروغگوئی و دزدی، عرق خوری، قمار بازی و هزاران صفات رذیله دیگر که در وجود من جمع است همه و همه از صدقه سر شماست، اصلاً حوصله صرف وقت برای کود کانتان ندارید و اگر زمانی زبان به نصیحت گشودید مصادف با زمانیست که خود در حال انجام دادن آن فعل غلط هستید. پدر! خوب بیاد دارم هنوز دوازده سال پیش نداشتم که روزی از اطاق مهمانخانه یک سیگار برداشتم و در گوشه ای شروع بکشیدن آن نمودم در این وقت تو از راه رسیدی و در حالی که سیگار زیر لب ت بود! میگفتی این چه کثافت کاریست و مرا کتک زدی بمن زبان سیگار کشیدن را نکفتی ولی از کشیدنش منع می کردی و پول میدادی تا برایت سیگار بخرم. من نمی فهمیدم در این چه بدیست که برای شما خوبست؟ هشت یا نه سال پیش نداشتم که یک شب شیشه عرق را در سرفه گذاشتی و چون پرسیدم با باجان توی این شیشه چیست؟ گفتی مگر نمیدونی که من مر بضم. هیچ از حال پدرت خبر نداری دکتر شربت سینه داده، دروغ گفتن را بمن یاد دادی من با اینکه کلاس سوم بودم کلمه و کارا در روی شیشه میخواندم تو که خود همیشه مست بودی آن شب وقتی مرادر کافه جمشید یافتی در میان مردم کشیده بصورت من زدی، آخر در کجای دنیا رطب خورده حق منع رطب دارد؟ با ما درم شب زنده داری میرفتید مرا هم با خود همراه میبردید و برای اینکه اسباب زحمتتان نشوم با چند تومان پول و یک دست ورق روانه ام می کردید تا با همراه خود با اصطلاح سرگرم باشم، پدر! مشوق من در قمار تو بودی و آنوقت که رادیو را بردم و فرو ختم و پولش را در سرمیز قمار باختم حق نداشتمی مرا از خانه بیرون کنی مرا سه روز از خانه بیرون کردی، تصور کردی اگر بیرون کنی تنبیهم کرده ای، یاد می آید یکروز عموجانم بشما گفت این چه وضع بچه تربیت کردن است به بچه ات برس آینده اش را در نظر بگیر، گفتی ای آقا چه غصه ای داری میره مدرسه آنجا تربیتش میکنند (ای پدر و مادر) تقصیر بگردن شما است، بله برای شما که عرضه تربیت کودک خود را ندارید بچه نداشتم بهتر از بد بخت تحویل اجتماع دادن است. (۱) نظیر اینگونه داستانهای واقعی که نتیجه بی بندوباری مسئولین خانواده است، در اجتماع ما زیاد بوقوع پیوسته است.

«پایان»